

میدون و سوفیا

من را بغل کنبد



پوریاء عالمی

● پلیس اعلام کرده که «در صورت مشاهده درآغوش گرفتن حیوانات و حمل آنها در خودرو افراد را مورد پیگرد قانونی قرار خواهد داد». بابای سوفیا می‌گوید: خب این هم از این.. مشکلات حل شد. واقعا داشتیم از اینکه یک‌سری توی ماشین حیوان به آغوش می‌کشند زجر می‌کشیدیم. من هروقت می‌بینم یکی حیوانش را سوار ماشینش کرده، این‌قدر ناراحت می‌شوم می‌نشینم وسط خیابان و زارزار گریه می‌کنم. بابای سوفیا می‌گوید: از وقتی این مشکل حل شده، احساس خوشبختی می‌کنم. واقعا دست مسئولان درد نکند که اصلا نمی‌گذارند مشکل به وجود بیاید، تا ببیند مردم را چی زجر می‌دهد، سریع رقعش می‌کنند.

مشکل آغوش

سوفیا می‌گوید: ولی مشکل اینجاست که توی تلویزیون وقتی می‌خواستند دوتا آدم هم رو به آغوش بکشند به‌جاش به لباس هم یا اسب هم دست می‌زدند. الان که به‌آغوش‌کشیدن و دست‌زدن به حیوان ممنوع شده، آیا توی تلویزیون باید به خودشان دست بزنند؟

خاطره

یک بار من و سوفیا سوار ماشین بودیم و من هم که احساساتی... یکهو یکی رسید. گفت شما حیوان را به آغوش کشیدید، در نتیجه مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرید.

سوفیا گفت: ولی اینکه حیون نیست، آدمه.

اما او گفت: کاش حیون بود.

اعتراف حیوانی

سوفیا... عشقم... عشق حیونکی‌ام... پلیس گفته به‌آغوش‌کشیدن حیوانات ممنوع است. من هر روز مثل سگ دنبال یک لقمه نان می‌دوم و مدام دم تکان می‌دهم. مثل خروس از طلوع آفتاب بیدار می‌شوم و دنبال یک شغل در راهنمای همشهری می‌گردم. مثل اسب کار می‌کنم و باز هم امنیت شغلی ندارم. مثل گردن پوستم را کلفت کرده‌ام تا مشکلات اقتصادی از پا درم نیاورد. مثل جغد به عملکرد مسئولان چشم دوخته‌ام. مثل یوز ایرانی در خطر انقراضم و از چپ و راست بهم حمله می‌شود. مثل مرغ، توی عزا و عروسی کبابم می‌کنند. مثل موش خودم را به مردن می‌زنم که فقط از ادیت‌کردنم دست بردارند. مثل شیر می‌خواهم عریده بکشم، اما جیره غذای باغ‌وحش مجابم می‌کند که برای عکس‌های اینستاگرام مردم ژست بگیرم. شب‌ها مثل گوسفند سرم را می‌اندام پایین و به خانه بازمی‌گردم. درکل هم که نگاه کنی واقعا خرم. بعد یک به‌آغوش‌کشیدن ساده را از من دریغ می‌کنید چون فقط حیوانم؟

حیوان‌ترین عاشق تاریخ بشریت؛ میدون دوم

پیشنهاد

فیلترناپذیری تلگرام در دومین «بازخورد»



● شماره دوم مجله تخصصی «بازخورد» در حوزه ارتباطات، با پرونده‌ای درباره فیلترینگ تلگرام و فیلترناپذیری عملی تکنولوژی‌های نوین منتشر شده است. در این پرونده گزارش‌هایی منتشر شده است درباره اینکه مردم شهرهای مختلف پس از فیلترینگ تلگرام با آن چه کرده‌اند، چرا پیام‌رسان‌های داخلی جای تلگرام را نگرفته‌اند، تکنولوژی بلاک‌چین چطور تلگرام را فیلترناپذیر خواهد کرد و اینکه رفتار مردم روسیه در قبال فیلترینگ تلگرام چه بوده است. در شماره دوم «بازخورد» گزارشی منتشر شده است درباره تجربه یک روزنامه‌نگار آمریکایی که دو ماه اینترنت را از منابع کسب اخبارش حذف کرد، اما در عمل، نتوانست به‌اصطلاح اینترنت را از پریز بکشد. همچنین یادداشتی درباره کتاب‌های صوتی در ایران و میزان علاقه به آنها در این شماره چاپ شده است. تبدیل‌شدن برخی از روزنامه‌نگاران ایرانی به سلبریتی‌های شبکه‌های اجتماعی به جای ستاره‌های داخل رسانه‌های خود و ادبیات عجیب‌وغریب نوجوانان کشور در چت با یکدیگر، از دیگر مطالب خواندنی این شماره است. مشکلاتی که خبرنگاران داخلی در پوشش اخباری مثل آزار دانش‌آموزان دبیرستانی در تهران داشته‌اند و نظارت سیال به‌عنوان یک نوع نظارت نوین در عصر دیجیتال نیز از مطالبی است که می‌توان در شماره دوم مجله «بازخورد» خواند.



ستاد مبارزه با موادمخدر

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۴ تیر ۱۳۹۷ ۱۱ شوال ۱۴۳۹ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۸ سال پانزدهم شماره ۳۱۷۸ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۰۳ طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

سهیل محمدی



نکته

نجات لژیونر رایان

ساسبان کلفر

اوضاع کارلوس کی‌روش این روزها دراماتیک‌تر از خیلی از شاهکارهای هنرهای دراماتیک است. یک بازی علیه تیم ملی کشور خودش در روز دوشنبه برایش در نظر گرفته شده است در حد نمایش‌نامه «سید» (Le Cid) پی‌یر کرنی؛ از نوع انتخاب ناگزیر میان عشق و وظیفه. یا باید تیمی که وظیفه مربیگری آن را برعهده داشته و سال‌ها برای بالاکشیدنش زحمت کشیده به دور دوم برود و تیم هم‌وطنانش حذف شود یا برعکس؛ خیلی هم بعید و تقریباً غیرممکن است که هر دو تیم بالا بروند و اسپانیا – همان کشور «ال سید» – درمآند، اما نمایش‌نامه فرانسوی‌ای که از آن یاد شد تنها اثر دراماتیکی نیست که سرمربی پرتغالی در هفته اخیر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. ظاهراً کی‌روش الان مدام با آثار دراماتیک، مخصوصاً فیلم‌های سینمایی فیلم‌سازان آمریکایی سروکار دارد؛ از «نجات سرباز رایان» استیون اسپیلبرگ گرفته تا آثار مارتین اسکورسیزی و حتی «امتیاز نهایی» وودی آلن. کی‌روش البته خود معتقد است که «بازی با پرتغال ربطی به وطن‌پرستی ندارد» یا لاقال این را در کنفرانس مطبوعاتی روز جمعه‌اش بر زبان آورده است تا خیال خود را راحت کند، ولی اوضاع دراماتیک‌تر

از این حرف‌هاست. او در گفت‌وگویش از اسکورسیزی هم یاد کرده و اعتراف کرده که حتی این درام‌پرداز زبردست سینما هم نمی‌توانست چنین فیلم‌نامه‌ای بنویسد. جمله‌ای که او گفت

این بود: «تصور کنید بازی ما مقابل پرتغال برای ما حکم یک «مچ‌پوینت» را دارد. این یک فیلم سینمایی است که حتی مارتین اسکورسیزی هم نمی‌توانست فیلم‌نامه‌ای را این‌گونه برای من بنویسد. البته که بازی خاصی است، اما این

می‌چرید: از خودگذشتگی در جدال عشق و وظیفه پی‌یر کرنی، شور حماسی اسپیلبرگ، معنویت و معرفت و فلسفه اسکورسیزی با بخت و اقبال وودی آلن.



بهمن کشاورز

۱- این مسئله که با جرایم منافی عفت و مواردی که باعث جریحه‌دار شدن وجدان اجتماعی می‌شود، چگونه باید برخورد کرد، سال‌ها است که مطرح است. ابهام در این است که آیا به‌منظور جلوگیری از تکرار جرم‌هایی از این نوع به‌صورت سریالی و زنجیره‌ای برخورد می‌کنند، باید اطلاع‌رسانی کنند و به جامعه هشدار دهند یا برده‌پوشی کنند و مطلب را مکتوم نگه دارند؟ ماده ۱۰۲ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری گوید: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این‌صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و با اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود. تبصره- در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدواً قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند...». ملاحظه می‌شود که قانونگذار در اجرای قاعده‌ای که آن را «عدم تشییع فاحشه» می‌گویند- یعنی جلوگیری از اشاعه پیداکردن و متداول‌شدن امور و کارهای زشت- در ماده ۱۰۲ و تبصره آن سعی کرده موجباتی فراهم کند که در شرایط

واکنش

آقای بهشتی شما توهین کردید

نلی محبوب

جناب آقای بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، مطلبی از شما نقل شد با عنوان: «ایران به بیماری آنیسم دچار شده...» (در تاریخ اول تیر) * «کاش از چیزی که می‌گفتید اطلاع کافی داشتید. شما با دانش کم نسبت به اختلال اتیسم و نسبت‌دادن آن به جامعه بیمار امروز و مثال‌هایی که زدید، به خانواده‌ها و بچه‌های مبتلا و حتی درمانگران آنها توهین کردید.

انگ زنید! مشکلات را در مدیریت‌های خودتان جست‌وجو کنید. آیا می‌دانید بسیاری از این بچه‌هایی که شما آنها را عقب‌مانده می‌نامید، نابغه هستند؟ می‌دانید توانایی‌های فوق‌العاده دارند؟ می‌دانید خانواده‌های این بچه‌ها برای اینکه توانایی‌های فرزندانشان را متمرکز کنند- تا وارد جامعه‌ای شوند که شما و امثال شما ساختند و همیشه افراد مبتلا به اختلالات و معلولان را حذف کرده‌اید و به حاشیه رانده‌اید- با چه خون‌دل و هزینهای آنها را تربیت می‌کنند؟ تا زندگی بی‌دردسری داشته باشند در جامعه‌ای که همیشه در حال حذف است! ای کاش جامعه‌ای که شما توصیف کردید واقعا مبتلا به اختلال اتیسم بود. چون حتماً اثری از دروغ در آن نمی‌دیدید. این بچه‌ها مهندسانی هستند که گمان کنند جادوگر سیندرلا هستند. آنها واقعیت‌ها را می‌بینند. اگر جامعه به اختلال اتیسم مبتلا بود، باور کنید بهتر از ابتلا به دست‌اندرکارانی همچون شما بود. بچه‌های مبتلا به اختلال اتیسم حساس‌تر هستند، اما در رؤیای زندگی نمی‌کنند. واقعیت را می‌بینند اما پریزنگ‌تر. ای کاش مهر داشتید، ای کاش بهتر می‌دیدید. اتیسم عقب‌ماندگی نیست، بیماری نیست و عجیب اینکه رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری از یکی از اختلال‌هایی نام می‌برد که آن را عقب‌ماندگی می‌نامد. آقای بهشتی، اتیسم در خودماندگی است و ما و والدین این بچه‌ها در تلاشییم که فرزندانمان در خود مانند. کاش شما هم چنین می‌کردید. جامعه ما به اتیسم مبتلا نیست، به دروغ و فساد و دورویی و مدیران بی‌تدبیر مبتلاست.

*طبق خبری که از رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور در سایت‌های مختلف نظیرانتخاب و ... باز نشر شد، او گفت: «بیماری اتیسم مثالی است که می‌توان برای عقب‌افتادگی کشور عنوان کرد زیرا این بیماری به‌گونه‌ای است که بیماران آن دارای اختلالات روانی هستند که نمی‌توانند با محیط ارتباط برقرار کنند و ایران به بیماری اتیسم دچار شده است». بهشتی از بیان اینکه نظام آموزشی ما از دبستان همه افراد را به اتیسم مبتلا می‌کند، افزود: «وقتی آموزش ما به صورت اتیسمی باشد، مهندسانی پرورش خواهند یافت که گمان می‌کنند جادوگر سیندرلا هستند. یعنی با جیوب جادوی تکنولوژی همه‌چیز را می‌توانند درست کنند».

سلام به فردا

ضرورت اطلاع‌رسانی در موارد تجاوز جنسی زنجیره‌ای

بسیاری از موارد باعث می‌شود که در مقابل تعدی و تجاوز بی‌دفاع باشند.

۳- اما در مورد اطلاع‌رسانی باید گفت موارد متعددی وجود دارد که اگر اطلاع‌رسانی به‌موقع می‌شد، شاید از تعداد قربانیان کاسته می‌شد. مثل ماجرای خفاش شب یا سعید حنایی یا قتل‌های قزوین و موارد متعدد دیگر. این عذر که اطلاع‌رسانی باعث وحشت عمومی خواهد شد، پذیرفته نیست زیرا حتی اگر یک مورد از قتل‌هایی که اتفاق افتاده، با اطلاع‌رسانی کم شده بود، این آگاهی‌رساندن را توجیه می‌کرد. در بسیاری از کشورها وقتی کسی قصد خرید خانه در جایی را دارد، می‌تواند به پلیس محل مراجعه و در مورد وجود سرقت یا تجاوز یا قتل‌های زنجیره‌ای استعلام کند و جواب کاملاً واضحی بگیرد.

۴- سخن آخر اینکه در بسیاری از موارد در این‌گونه جرایم بزه‌دیده رفته‌رفته در موضع بزهار کار قرار می‌گیرد و سؤالاتی که از او می‌شود چنان است که گویی معاون یا شریک جرم بوده است. به نظر می‌رسد این رویه باید متحول شود و مسئله‌ی تجاوز به عنف فارغ از مقدمات آن مورد بررسی و اخذ تصمیم قرار گیرد زیرا این‌گونه بزهارکاران به لطایف‌الحیل دختران و زنان را تحت عناوینی که مطمئناً تجاوز جنسی جزو آنها نیست، قرب می‌دهند و سپس در فرصت مناسب اقدام به تعرض و تجاوز می‌کنند و در بسیاری از موارد بزه‌دیده به‌اصطلاح از ترس آبرو چیزی نمی‌گوید. این به آن می‌ماند که اگر سگ هاری گسی را گاز گرفت، فرد مجروح از ترس آبرو به بیمارستان و آنتیستو پاستور مراجعه نکند! والله اعلم.

آکادمی

درس‌هایی از فوتبال

به‌خصوص در کارهای تخصصی پزشکی امکانی برای استفاده از استادان برجسته بین‌المللی ولو ایرانی‌الاصل پدید نیامده است.

دوم، در حیطه بازی و خیال و با یاری مربی توانستیم توانایی‌های خود را مورد ارزیابی جدی قرار دهیم و سازوکار خود را بر مبنای همان توانایی‌ها و همان ضعف‌ها تنظیم کنیم. ایستادگی در خانه و دفاع‌کردن در برابر حریفی که رقص پای فوتبال را ۶۰۰ سال پیش با سر بومیان سرخ‌پوست آغاز کرده، نشانی از برخورد واقع‌بینانه با زندگی است. چه بسیار حوزه‌هایی که هنوز یا به میدان نگذاشته، شعار می‌دهیم و چه بسیار حیطه‌هایی که بی‌محابا پیش می‌رویم که کل بز نیم، تحقیق کنیم، دارو کشف کنیم و... حال آنکه حاصل کار در هیچ مجمع بین‌المللی‌ای قابل ارائه نیست.

سوم، به‌وضوح دیدیم و دریافتیم که اصل، اول و دوم‌شدن یا برنده‌شدن و باخت نیست. ممکن است بازی را ببازیم، اما زندگی را بگیری. زندگی در لحظات خود و در طریق خود بسیار بیشتر از نتیجه‌اش معنا می‌یابد. صداقت، تلاش و دستیابی به جایگاهی که مقدر است، معنای همان رضایت عمیقی است که آن را شکر می‌کنیم و در ادبیات ما به دم غنیمت‌دانستن تعریف شده است. خارجی‌ها به آن آوازه‌خوان (نه آواز) می‌گویند. حالا همه بعینه می‌بینند که زدن یا خوردن یک گل بیشتر در این احساس عمومی تغییر چندان‌ی ایجاد نمی‌کرد.

چهارم، در این نبرد جمعی حتی یک لحظه هم کسی از تیم تکروری نکرد. کسی در این ترافیک چالوس از دیگران جلو نزد تا جلوتر، خود بخشی از مشکل راه‌انداز شود. در این گرانی دلار (به هر دلیل و هر توجیهی که ایجاد شده بود) دیگر کسی با خرید انبار دلار در منزل، به‌قدر توان خود از قوت مستمندان نکاست. تا همین چند سال پیش در فوتبال برخی اسامی بزرگان را با آفساید ایشان به یاد می‌آوردیم. جوانان ما ولو در بازی، دارند یاد می‌گیرند که قهرمانی تنها مهره محکمی از یک دستگاه پیچیده‌بودن است. آیا آنچه چند شب پیش در دنیای بازی و خیال شاهد بودیم، در زندگی واقعی ما هم جریان پیدا خواهد کرد؟ و کی؟

اعداد

سکه‌هایی برای رفع عطش

است. نه تکلیف مسببان این اتفاق روشن شد و نه بقیه. تاکنون نیز با ممنوع‌الوردشدن اتومبیل‌های خارجی اعتراض مردم بیشتر و بیشتر شده است و منتظرند که مسببان این کار شناسایی و مجازات شوند. بی‌تردید این پنج هزار خودرو هم مثل سه هزار میلیارد خاوری تبدیل شد به مثالی برای بی‌کفایتی مسئولان. از نظر مردم، این اتفاق برنامه‌ریزی‌شده بوده، گروهی از افراد مسئول و مطلع بوده‌اند.

۷۰۰۰۰۰۰: نوبخت سخنگوی دولت گفت: هوزادن برخی از افراد که به بازار هجوم می‌آورد، موجب افزایش قیمت ارز شده است. برای گرفتن عطش عده‌ای در جهت خرید سکه مجبور شدیم بیش از هفت میلیون قطعه سکه در بازار عرضه کنیم. /ایسنا ۵۰۰۰: هنوز تکلیف پنج هزار تا خودروی لوکس خارجی که با هک‌کردن سایت وزارتخانه وارد شد و به دست خریداران و صاحبانش رسید، مشخص نشده

نه! بهترین پاسخ به تعارف کنندگان موادمخدر

بنجم تیرماه مصادف با ۲۶ ژوئن سالروز جهانی مبارزه با موادمخدر گرامی باد